

جایگاه و نقش معماری اسلامی در تمدن اسلامی

گیتی صادقی پی^۱

چکیده

معماری از لحاظ تاریخی اولین هنری بشمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده و در ایجاد تمدن اسلامی که مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاقیات، علوم، داشته‌های فرهنگی و آثار و نتایج آن در بخش‌های مختلف بر اساس عملکرد به این باورها می‌باشد، نقش بسزایی ایفا نماید. تمدن‌های تاریخی نخست از طریق همین آثار معماری شناخته می‌شوند. قرآن کریم به معماری چه در این دنیا و چه در آخرت یعنی بهشت اشاراتی دارد. نوشتار حاضر با هدف تبیین ویژگی‌های معماری و تمدن به نقش و جایگاه معماری اسلامی در تمدن اسلامی با رویکرد قرآنی با روش تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای پرداخته است. معماری اسلامی هنری غیرشخصی است و فردیت در آن راهی ندارد؛ محوریت معماری اسلامی از ساختاری همراه با معنویت برخوردار است و در نهایت معماری اسلامی هنری فراتر از زمان و مکان است و همواره با تعالی زندگی شهری و اجتماعی مردم در ارتباط است.

کلید واژه: قرآن کریم، معماری، تمدن، تمدن اسلامی.

مقدمه

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌دهد. این امر به گونه‌ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به‌عنوان اندیشه زیبایی‌شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی یافته است. معماری اسلامی، شیوه‌ای از معماری است که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی به وجود آمده این گونه از معماری شامل معماری گستره‌ای از جهان می‌شود که با عنوان جهان اسلام شناخته می‌شود. معماری این کشورها تحت تأثیر ایدئولوژی اسلام در طول زمانی مشخص قرار گرفته و به همین خاطر دارای برخی ویژگی‌های مشترک شدند. در گستره مکانی شامل: هند، افغانستان، کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، مصر،

^۱ . سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، مدرس حوزه مدرسه علمیه قاسم بن حسن علیه السلام



فلسطین، تونس، الجزایر، مراکش (مغرب) رواج داشته است. گستره زمانی معماری جهان اسلام را می‌توان از سال‌های اولیه ظهور اسلام تا پیش از گسترده‌گی عام معماری مدرن دانست. با این حال نمی‌توان این گسترده‌گی و نقش اثر گذار در معماری را در همه مناطق یکسان دانست. به‌عنوان نمونه چنین نقشی در مصر از سال ۹۲۴ ق به وجود آمد.

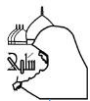
معماری هنری است که به غیر از تنوعات رنگی، هویت و فرهنگ را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تجلی معماری در تصاویر یا کنده کاری‌ها به‌خوبی نمایان است. در قصرهای ساخته شده در زمان امویان کنده کاری‌های رنگی و غیررنگی با عکس‌های قدیمی بسیاری داشت. دست نوشته‌ها، ظروف و یا اثاثیه‌هایی که به علت تنوعات رنگی و نوع کار بر روی آن‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردارند، نشانگر ارتباط و علاقه انسان با هنر است. رسالت معماری طراحی فضا است. طراحی فضا و مدیریت فضا نیز برای مدیریت رفتاری است که داخل آن فضا اتفاق می‌افتد؛ یعنی رفتارهای داخل یک فضا را می‌توان با نوع طراحی مدیریت کرد. (کوبن لینچ، ۱۳۸۱، ص ۶) از این رو، معماران در گذشته در خلق آثار هنری خود از منبع طبیعت، فرهنگ و مذهب الهام می‌گرفتند و از این سه رکن در طراحی و معماری ساختمان‌ها بسیار بهره می‌بردند.

در رابطه با پیشینه موضوع می‌توان گفت که هنر اسلامی تقریباً با روی کار آمدن سلسله «امویان» در سال ۴۱ هـ ق و انتقال مرکز خلافت امویان از مدینه به دمشق، پدید آمد. با این انتقال، هنر اسلامی ترکیبی از هنر سرزمین‌های همسایه به‌ویژه ایران گردید. فتح اسلامی ایران در قرن هفتم موجب شد که معماران اولیه اسلامی به قرض گرفتن و اتخاذ کردن بسیاری از سنت‌ها و روش‌های امپراتوری فارسی افتاده. بنابراین می‌توان گفت معماری اسلامی از قرض معماری ایرانی و گسترش و تکامل بیشتر از معماری ایرانی است.

روش کار در این مقاله به این صورت است که پس از بررسی و مطالعه منابع و مآخذ مرتبط با موضوع پژوهش از جمله آیات قرآنی مربوط به معماری و تمدن اسلامی، تاریخ تمدن در قرآن کریم و ویژگی‌های معماری اسلامی تحلیل می‌گردد و در نهایت به نقش و جایگاه معماری اسلامی در تمدن اسلامی به‌طور خلاصه پرداخته می‌شود.

مفاهیم اصلی:

معماری: واژه «معماری» در زبان عربی از ریشه «عمر» به معنای عمران و آبادی و آبادانی است، (فؤادفرام، بستانی، ۱۳۷۵، ص ۸۰۰) و «معمار»، بسیار آباد کننده. در زبان فارسی برابری گوناگونی برای آن آمده است مانند:



«والادگر»، «راز»، «رازگر»، «زاویل»، «دزار»، «بانی کار» و «مهراز». مهراز، واژه‌ای است که از «مه» + «راز» درست شده و مه برابر مهتر و بزرگ بنایان است. بنابراین از دو بخش «مه»، به معنای بزرگ و «راز» به معنای سازنده درست شده است. (مهرداد جعفری، ۱۳۹۲، ص ۵) این واژه برابر مهندس معمار به تعبیر امروزی است. در زبان لاتین نیز واژه «architect» (البرت سیدنی، هورن بای، ۱۳۸۴ ش، ص ۶۶) از دو بخش «archi» به معنای سر، سرپرست و رئیس و «tecton» به معنای سازنده درست شده که کاملاً هم‌تراز با واژه مهراز می‌باشد. مفهوم دقیق واژه معماری ریشه در واژه یونانی archi-tecture به معنای ساختن ویژه دارد، ساختنی که هدایت شده و همراه با آرچه باشد. آرچه «arkhe» از فعل آرخین «arkhin» به معنای هدایت کردن و اداره کردن است. (همان، ص ۵) در یک تعریف کلی از معماری ویلیام موریس چنین می‌نویسد:

معماری؛ شامل تمام محیط فیزیکی است که زندگی بشر را در بر می‌گیرد و تا زمانی که جزئی از دنیای متمدن بشمار می‌آییم، نمی‌توانیم خود را از حیطة آن خارج سازیم، زیرا که معماری عبارت از مجموعه اصلاحات و تغییراتی است که به اقتضای نیازهای انسان، بر روی کره زمین ایجاد شده است که تنها صحراهای بی‌آب و علف از آن بی‌نصیب مانده‌اند. (لئوناردو، بنه ولو، ۱۳۹۰، ص ۳۰)

معماری اسلامی: این گونه از معماری شامل معماری گستره‌ای از جهان می‌شود که ما با عنوان جهان اسلام می‌شناسیم. معماری این کشورها تحت تأثیر ایدئولوژی اسلام در طول زمانی مشخص قرار گرفته و به همین خاطر دارای برخی ویژگی‌های مشترک شدند. همان طور که از نام این سبک معماری پیداست پیدایش این سبک با ظهور اسلام و تأثیر آن بر معماری رواج یافت و نمودهای آن را می‌توان در مساجد، آرامگاه‌ها، قصرها و دژها مشاهده نمود. از اولین نمودهای این هنر می‌توان به گنبد صخره در اورشلیم اشاره نمود. که در قرن ۶ میلادی ساخته شد و کاشی‌هایی با نقوش آبی، سبز و طلایی از گل، بته و تاج بود. در مکان معبد دوم اورشلیم. مسلمانان باور داشتند این مکان مکانی بود که پیامبر اسلام از آن به بهشت عروج نموده بود. (محمد جواد مهدوی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۷)

بنای دیگری با همین نمونه، مسجد بزرگ دمشق است که بر روی یک معبد رومی بازسازی شد و باور بر این است که نقوش گل، درخت، شهر و.. همان بهشت برین است که به مسلمان با تقوا وعده داده شده است. در هر دوی این مساجد از سبک برش سنگ سوریه‌ای استفاده شده است و رواج گنبد در هنر معماری اسلامی است.



در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم استفاده از هنر گچ کاری در معماری به اوج رسید که نمونه آن را در قصر صحرا در اردن امروزی می‌توان یافت. هنر اسلامی با تغییر پایتخت امپراطوری عباسیان به بغداد و سپس به سامرا نیز نمونه‌هایی را به یادگار گذاشت. از آن جمله می‌توان به مسجد بزرگ سامرا اشاره نمود که مناره‌های بلند آن مثال زدنی است. هم‌چنین هنر معماری ایران در دوران ساسانیان نیز تا قبل از قرن ۱۰ میلادی نمونه‌ای از دوران اوج هنر معماری اسلامی است که بر کشورهای اطراف نظیر سوریه نیز اثرگذار شد. با گسترش قلمرو مسلمانان به اسپانیا و شمال آفریقا معماری اسلامی در این کشورها اثرگذار شد و معماران با سبک معماری اسلامی در این مناطق به ساختن بنا پرداختند و نمونه‌ای از آن مسجد حسنین در قاهره است که نمودهایی از هنر معماری اسلامی ایران در آن نمایان است.

تمدن: این واژه از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به کار رفته است. (علی اکبر، قرشی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۴، ذیل ماده «مدن») در فارسی نیز به معنای شهرنشینی، اخلاق شهری پیدا کردن و انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۱۰۹) و در مقابل بادیه نشینی (همان، ج ۳، ص ۳۸۳۶) و بربریت (همان، ج ۳، ص ۳۹۱۲) به کار رفته است. واژه‌های المدنیة، الحضرة، الحضارة (حمید طیبیان، ۱۳۷۸، ص ۲۷۳) و Civilization (البرت سیدنی، هورن بای، ۱۳۸۴، ش، ص ۲۶۷) به ترتیب در عربی و لاتین برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند.

در تعریف تمدن آمده است که: تمدن محصول و دستاورد انسان مدنی و اجتماعی است با ویژگی‌ها و خصوصیات فکری، روحی، داخلی و رفتاری. برای تحقق بخشیدن به اهداف مردمی و اصول و ارزش‌های انسانی و هر آنچه که این انسان‌ها برای پیشرفت خود می‌پسندد و به آن نیاز دارند. (عبدالله ناصح علوان، ۱۳۸۳، ص ۱۱)

تمدن در مفهوم قوم‌شناختی گسترده خود مجموعه‌ای پیچیده است که شناخت، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، رسم و هر نوع قابلیت و عادت دیگری را شامل می‌شود که به‌وسیله‌ی انسان به‌عنوان یک عضو جامعه کسب گردد. (باقر، ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۵) تمدن را نوعی خاص از پیشرفت مادی و معنوی می‌دانند که شامل مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی انتقال‌پذیر و دارای جهات مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است (آلن، پیرو، ۱۳۶۶، ص ۴۷)؛ هم‌چنین وجود مجموعه‌ای از دانش‌ها و

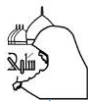


فنون برای کنترل طبیعت و ساماندهی زندگی اجتماعی مبتنی بر تقسیم کار و در نتیجه پدید آمدن عناصر اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی لازم است، بر این اساس گرچه جوامع روستایی دارای فرهنگ‌اند؛ ولی تا شهر وجود نداشته باشد نمی‌توان از تمدن سخن گفت. (همان، ص ۴۸)

تمدن اسلامی: تمدن اسلامی پیشرفت‌های مسلمانان می‌باشد که با الهام از تعالیم اسلام، در محیط اسلامی به وجود آمده است؛ مانند علوم انسانی، اعم از فلسفه، کلام و مانند آن. مسلمانان در این قسمت‌ها پیشرفت‌هایی داشته‌اند و در شکوفایی آن‌ها سهیم بوده‌اند. در مظاهر مادی، مقصود از تمدن اسلامی این است که مسلمانان با الهام از تعلیمات اسلام چه نقشی در علم و صنعت، مثلاً پیشرفت پزشکی، تأسیس بیمارستان‌ها و کتابخانه‌ها و این قبیل امکانات رفاهی داشته‌اند. (مهدی پیشوایی، شماره ۱۸، ص ۲۵) پس تمدن اسلامی عبارت است از مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، اخلاقیات، علوم، داشته‌های فرهنگی و آثار و نتایج آن در بخش‌های مختلف بر اساس عملکرد به این باورها.

تمدن در قرآن:

تمدن اسلامی بر اساس جهان‌بینی توحیدی بنا شده است، زیرا در جهان‌بینی قرآن، جهان هستی بر اساس حکمت آفریدگار حکیم و مهربان پایه‌گذاری شد و تمام قوانین و برنامه خلقت بر اساس علم و دانش و حکمت پی‌ریزی شده است به گونه‌ای که دانشمندان در طول تاریخ نتوانستند، یک نکته در تمام آفرینش، بی‌حساب و غیرمعقول پیدا نمایند. خدا بر اساس آفرینش و هدف آن، قوانین اداره جهان را که شامل انسان نیز می‌شود پایه‌ریزی کرد و به وسیله پیامبران ابلاغ نمود و لذا تمدن و زندگی معقول در دید قرآن این است که ملت‌های عصر و زمان بتوانند، خود را با قوانین الهی وفق بدهند و تسلیم فرمان او باشند، و هر ملتی که در این مسیر موفق‌تر است، پیشرفت تمدن آن‌ها بیشتر خواهد بود. لذا قرآن کریم هر تمدنی را که برنامه عملی آن به قوانین الهی نزدیک‌تر بوده و با قوانین تکوینی منطبق‌تر و در برابر قوانین الهی تسلیم‌تر باشد، آن را «تمدن» شناخته، و هر جامعه‌ای که پایبند به قوانین الهی و انبیاء نباشد و فرهنگ پذیرش، نسبت به قوانین الهی نداشته باشد، آن را علاوه بر اینکه تمدن نمی‌داند، پیشرفته هم نمی‌داند و مسیر آن را به سوی انحطاط و نابودی می‌انگارد. (محمد جواد، مهدوی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۶۲)



قرآن کریم محدود کردن زندگی را به پیشرفت‌های مادی، نه تنها پیشرفت در تمدن نمی‌داند، بلکه نوعی طغیان می‌داند که موجب عذاب خواهد شد: «فَأَمَّا مَنْ طَغَى، وَ آتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ پس هر کس از حکم شرع خدا سرکش و طغی شد، و زندگی دنیا را برگزید، دوزخ جایگاه اوست.» (نازعات / ۳۸)

قرآن کریم در مورد فرعون که پیشرفت مادی فوق‌العاده‌ای دارد و جزء ارکان تمدن بشری در تاریخ شناخته می‌شود، می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ و موسی به پروردگار خود عرض کرد بارالها تو به فرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیدی که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنند، بار خدایا اموال آن‌ها را نابود گردان و دل‌هایشان را سخت بریند، که اینان هرگز ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند.» (یونس / ۸۸). سپس دعای موسی مستجاب شد و فرعون غرق شد و بدنش به‌عنوان نشانه و عبرت باقی ماند. این نمونه آیات، زندگی ملت‌هایی که با پیامبران به مخالفت برخاستند را غیرمعقول، دردآلود، فاسد، گمراه و گرفتار عذاب قهر الهی می‌داند.

واژه مدنیت در قرآن:

اهل لغت، واژه «مدینه» را به معنی شهرنشینی معرفی کرده‌اند و «مدائن» و «مَدَن» به معنی شهرها، تمدن را به معنی «شهرنشین شدن با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن» معرفی نموده‌اند و در معنی تمدن گفته شده: «همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره» و رابطه تمدن با مدینه، «زندگی دسته جمعی بر اساس هدف واحد» بیان شده است.

اما قرآن لفظ «مدینه» را به معنی شهرنشینی و برنامه زندگی آن‌ها را تمدن نمی‌گویند، بلکه قرآن کلمه «مدینه» را در آیاتی مطرح می‌کند که در آنجا فرد مؤمنی زندگی کند و لو یک نفر باشد؛ و اگر در جایی که پیامبر یا مؤمنین در آنجا نباشد آن را مدینه و مدائن و مدین نمی‌گوید.

برای نمونه، هنگامی که پیامبران می‌خواهند وارد شهر انطاکیه، از شهرهای مهم شامات و از شهرهای معروف روم قدیم بوده، شوند، چون افراد با ایمان در آن نبودند و همه کافر بودند، قرآن از آن‌ها به «اصحاب القریة» و «یاران روستا» نام می‌برد: «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ؛ برای آن‌ها یاران (ده) را مثال بزن که



فرستادگان خدا به سوی آن‌ها آمدند و بی‌هنگام آن پیامبران بزرگ وارد این ده و قریه شدند. «(یس / ۱۳) اما زمانی که حبیب نجار، می‌خواهد از آن‌ها حمایت کند، قرآن می‌فرماید: «و جاء من أقصى المدينة رجلٌ؛ مردی از نقطه‌ای دوردست شهر با شتاب فرارسید.» (یس / ۲۰) بنابراین معیار تمدن و شهرنشینی در قرآن، داشتن فرهنگ دینی و خدانشناسی و ارتباط با خدا می‌باشد.

واژه بنا و معماری در قرآن کریم:

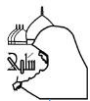
در قرآن کریم آیات بسیاری در مورد ساختن بنا و معماری آمده، در اینجا برخی از این آیات معرفی می‌شود تا اهمیت معماری برای همگان مشخص شود.

«الذی جعلَ لَکُم فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَکُم فَلا تَجْعَلُوا لِلّهِ أَنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و از آسمان آبی فرو آورد پس بدان آب از میوه‌ها روزی برای شما بیرون آورد. پس برای خدا همتایان قرار مدهید و خود میدانید که خدا بی‌همتا است.» (بقره / ۲۲)

«هُوَ الذی خَلَقَ لَکُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّيْهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ؛ اوست که هر چه در زمین است همه را برای شما آفرید آنگاه به آسمان پرداخت و هفت آسمان بساخت. و او بر همه چیز داناست.» (بقره / ۲۹)

«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیً وَ وَعَدْنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَیْتَنَا لِّلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ؛ و هنگامی که آن خانه (کعبه) را برای مردم بازگشتگاه (جایگاه رسیدن به ثواب و پاداش) و جای امن ساختیم و از جلی ایستادن ابراهیم نمازگاه بگیرید. و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه مرا برای طواف کنان و باشندگان آنجا (ساکنان حرم) و رکوع کنان و سجودکنان پاک و پاکیزه دارید.» (بقره / ۱۲۵)

«وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ کَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئسَ الْمَصِيرُ؛ و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا اینجا را شهر امنی ساز و از مردم آن کسانی را که به خدا و روز باز پسین ایمان دارند از میوه‌ها روزی ده خدای گفت: و هر که کافر شود او را اندکی برخوردار کنم سپس به عذاب دوزخ گرفتارش سازم و بد بازگشتگاهی است.» (بقره / ۱۲۶)



«وَإِذ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا می‌بردند و می‌گفتند: پروردگارا از ما بپذیر که تویی شنوا و دانا.» (بقره / ۱۲۷)

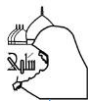
«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ هر آینه نخستین خانه‌ای که برای پرستش مردم نهاده شده است همان است که در بکه (محل ازدحام جایگاه کعبه در مکه) است که با برکت است و جهانیان را راهنماست.» (آل عمران / ۹۶)

«فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ در آن خانه نشانه‌های روشن و هویداست مقام (جای ایستادن) ابراهیم در آن است و هر که در آن خانه در آید ایمن است. و خدای راست بر مردم زیارت آن خانه هر که تواند راهی به آن یابد و هر که کفر ورزد (انکار و ترک نماید) پس بداند خدا از جهانیان بی‌نیاز است.» (آل عمران / ۹۷)

«إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَغْشَىٰ أَلْيَلِ النَّهَارِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ همانا پروردگارتان خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در ۶ روز آفرید سپس بر عرش (در مقام استیلا و تدبیر امور جهان) برآمد شب را به روز می‌پوشاند که شتابان در پی آن است و خورشید و ماه و ستارگان را بیافرید در حالی که رام فرمان اویند. آگاه باشید که آفریدن و فرمان ویژه اوست. بسی بزرگ و بزرگوار (یا با برکت در آفرینش خویش) است خدای پروردگار جهانیان.» (اعراف / ۵۴)

«وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَأَذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و یاد کنید آنگاه که شما را از پس قوم عاد جانشین آن‌ها کرد و شما را در این سرزمین جای داد که از جاهای نرم و هموار آن کوشک‌ها می‌سازید و کوه‌ها را برای ساختن خانه‌ها می‌تراشید پس نعمت‌های خدا را به یاد آرید و در زمین به تبهکاری مکوشید.» (اعراف / ۷۴)

«وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و یاد کن آنگاه که کوه را برکندیدم و بالای سرشان بردیم که گویی سایبان است و پنداشتند که بر سرشان افتادنی است گفتیم: آنچه را به شما دادیم (کتاب) با همه نیرو بگیرید و آنچه را در آن است به یاد آرید شاید پرهیزگار شوید.» (اعراف / ۱۷۱)

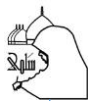


در وهله نخست، ارجاعات به مقوله‌های ساخت و مخصوصاً ساختمان سازی به چشم می‌خورد. در دسته دیگری از آیات، اشیاء ملموس دیده می‌شوند که تنها یک بار ذکر شده‌اند. همه اشیای فوق تحت مالکیت سلیمان توصیف شده‌اند، پیامبر سلطانی که حمایت او از آثار هنری، حمایتی افسانه‌ای بود و هنرمندان زیردست او نیز جنیان بودند.

در آیه شریفه «وَ أَسْلَمْنَا لَهُ الْكُتُبَ وَ عَيْنَ الْقَطْرِ؛ وَ مَعْدِنِ مَسِّ (مذاب) را برای او جاری ساختیم» (سبا/۱۲) سلیمان دستور ساخت چشمه‌ای از مس مذاب را می‌دهد. این عبارت کتاب آسمانی مسلمانان، منطبق با دریاچه مشهور برنجینی است که در معبد سلیمان واقع در اورشلیم قرار داشته است. در آیه، «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ...؛ آنان هر چه سلیمان می‌خواست برای درست می‌کردند؛ معبدها، تمثال‌ها، ظرف‌های بزرگی به اندازه حوض‌ها و دیگ‌هایی ثابت (که بر زمین کار گذاشته شده بود...)». (سبا/۱۳) جنیان برای سلیمان محارِب، تماثیل، جفان عظیم و قدوری می‌سازند که چنان در زمین استوار شده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را از جای تکان داد. معنی واژه محراب (مفرد محارِب) در آیات دیگر به چشم می‌خورد.

«جفان» به معنای یک نوع ظرف است و معمولاً به «کاسه» ترجمه می‌شود که شمول معنایی گسترده دارد و مصداق معین آن مشخص نیست. «قدور» به معنای «دیگ» تنها در همین آیه خاص به کار رفته است. «تماثل» در آیه «إِذْ قَالَ آبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ؛ هنگامی که به پدرش و قوم او گفت: این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما آن‌ها را می‌پرستید؟» (انبیاء/۵۲) نیز به کار رفته است و آشکارا ناظر بر بت‌هایی است که معبود پدر ابراهیم بود. این بت‌ها مجسمه‌های انسان یا حیوانات بوده‌اند و احتمالاً از آیه ۱۳ سوره سباء مطلق مجسمه به‌طور عام باید مستفاد شود نه بت‌هایی خاص.

ارتباط سلیمان با بناهای غیرعادی در آیه «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ...؛ به او گفته شد: داخل حیاط قصر برو. وقتی نگاه به آن قصر انداخت، گمان کرد (زمین آن) نهر آبی می‌باشد و ساق پاهایش را برهنه کرد (تا از آب بگذرد). اما سلیمان گفت: این قصری است از بلور شفاف و صاف...» (نمل/۴۴) تأیید می‌گردد که در آن سلیمان به منظور آزمودن ملکه سبا و نهایتاً به منظور نشان دادن تفوق خود بر او، دستور ساخت یک صرح پوشیده یا مفروض از آبگینه را صادر می‌کند (مُمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ). واژه «صرح» که معمولاً به بنای مجلل یا کاخ ترجمه می‌شود در آیه ۳۸ سوره قصص «فَأَوْقَدَ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا

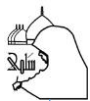


لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ...؛ ای هامان! خشت‌هایی را در آتش پخته و (با آن خشت‌ها) برایم بُرجی بلند بساز تا (از بُرج بالا روم) از خدای موسی خبری بیاورم...» و آیه ۳۶ سوره غافر «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ؛ فِرْعَوْنُ كَفَّتْ: ای هامان! برای من کاخی بلند بساز؛ شاید به درهای آسمان راه یابم» نیز ذکر شده است. در هر دو مورد این واژه با صفت «عالی» همراه شده و به ساختمانی اشاره دارد که فرعون دستور ساخت آن را داد. همه این آیات به بناهای اسوره ای می‌پردازند و ریشه واژه «صریح» بر نوعی خلوص و وضوح دلالت دارد، بنابراین واژه مذکور احتمالاً بیشتر ناظر بر شفافیت درونی یک ساختمان است تا شکل ظاهری آن. پس این بنا احتمالاً شبیه ساختمان تودرتویی است که گفته می‌شود بر فراز کاخ‌های یمنی پیش از اسلام وجود داشته است. ذکر قصه سلیمان و ملکه سبا (بلقیس) در قرآن، دلالت‌های دیگری نیز بر مفهوم هنر دارد. (گرابار، ۱۳۸۴، ص ۵۶)

دسته دیگری از عبارت قرآنی که به هنرهای مختلف ناظر و مربوطاند، شامل واژه‌های متعددی برای اشاره به محل سکونت وجود دارد، که ساخت محل‌های مسکونی نیز به معماری مربوط می‌شود. از جمله «قریه» در آیه ۵۱ سوره فرقان «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا؛ و اگر ما می‌خواستیم، در میان مردم هر شهر و سرزمین بیم دهنده‌ای بر می‌انگیزیم» که معمولاً برای اشاره به شهر و محل‌های کوچ‌تر به کار می‌رود. «مدینه» واژه‌ای که تنها دو بار در قرآن به کار رفته است. «فَاصْبِحْ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ... وَ جَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى...؛ موسی (پس از این حادثه) در شهر ترسان بود... مردی با سرعت از دورترین نقطه‌ی شهر آمد...» (قصص/۱۸ و ۲۰). و معانی نهفته بسیاری در بر دارد. (همان، ص ۵۸)

«مساکن» به معنای «اقامتگاه‌های ویران»، «وَعَادًا وَ تَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ...؛ و قوم عاد و تمود را نیز (هلاک کردیم) که خانه‌های (ویران) آن‌ها را به چشم می‌بینید.» (عنکبوت/۳۸) که غالباً در شعر به کار می‌رود و واژه انتزاعی‌تر «بلد» در عبارت «الْبَلَدُ الْأَمِينِ» به معنای «مکان امن»، «وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينِ؛ و سوگند به این شهر امن». (تین / ۳) که احتمالاً به مکه اشاره دارد.

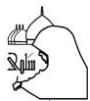
«بیت» واژه‌ای عام برای خانه است که حریمی خصوصی به شمار می‌رود، «وَأَنْبِئْكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ...؛ و به شما (از عالم غیب) خبر می‌دهم که در خانه‌هایتان چه چیزی می‌خورید و چه چیزی ذخیره می‌کنید...» (آل عمران / ۴۹)؛ «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَسُؤْلِهِ...؛ و هر کسی از خانه‌اش برای هجرت به سوی



خدا و رسول بیرون آید...» (نساء/ ۱۰۰)؛ «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا... لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتاً غیر مسکونه...؛ ای کسانی که ایمان آوردید هرگز به خانه‌هایی غیر از خانه خودتان وارد نشوید، مگر اینکه اجازه‌ی ورود بگیرید... شما گناهی نکرده‌اید اگر (بی‌اجازه) وارد خانه‌های غیرمسکونی بشوید...» (نور/ ۲۹-۲۷) این واژه در اشاره به منازل همسران پیامبر به کار رفته، «و قرن فی بیوتکن... و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن...؛ در خانه‌های خود بمانید... و از آیات خداوند و حکمت و دانشی که در خانه‌های شما خوانده می‌شود، یاد کنید...» (احزاب / ۳۳-۳۴) که حفظ حرمتشان لازم است. هنگامی که به زرین بودن این خانه اشاره می‌شود، «أو یكون لک بیت من زخرف...؛ یا آن که خانه‌ای پر نقش و نگار از طلا داشته باشی...» (اسراء / ۹۳)، منظور تحقیر آن خانه به‌عنوان تجلی ثروت است.

کلمه «دار» در آیات مختلفی به کار رفته، «فجاسوا خلال الدیار...؛ تا جایی که حتی در داخل خانه‌هایتان نیز، شما را جست‌وجو کنند...» (اسراء / ۵)؛ «هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم لأول الحشر؛ او کسی است که کافران اهل کتاب (یهودیان قبیله بنی‌نضیر) را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون کرد.» (حشر/ ۲)، و تفاوت چندان‌ی با «بیت» ندارد، جز آنکه کلمه دار در عبارت «الدَّارُ الْآخِرَةُ» در آیه ۸۳ سوره قصص «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا یَریدُونَ عُلُوًّا فِی الْاَرْضِ وَلَا فُسَادًا؛ این سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین اراده برتری جویی و فساد ندارند»، به معنای «جهان پس از این» دلالت‌های گسترده‌تری در بر دارد. واژه نسبتاً شایع «قصر» (به معنای آرک و کاخ) چهار بار در قرآن به کار رفته است که دو بار آن به صورتی استعاری است، یک بار در عبارتی مشهور به کاخ‌های ویران قدیم اشاره دارد، «...و هی ظالمَةٌ فِیْهَا خَاویَةٌ عَلٰی عُرُوشِهَا وَ بَئِراً مُّعَطَّلَةٌ وَ قَصْرٌ مَّشِیدٌ؛ در حالی که به ظلم و ستم مشغول بودند، (نابود ساختیم) و اکنون آن شهرها به کلی ویران است؛ و چه بسیار چاه پر آب که معطل (بی‌صاحب) ماند و (همچنین) قصرهایی مرتفع و محکم» (حج/ ۴۵)، و بار دیگر برای ارجاع به بهشت در آیه‌ای به کار می‌رود، «...وَ یَجْعَلُ لَکَ قُصُورًا؛ ...و برای تو کاخ‌هایی پرشکوه قرار می‌دهد.» (فرقان/ ۱۰)

دیگر کلمات ناظر بر ابنیه یا اماکن به‌ندرت به کار رفته‌اند که «مثوی» به معنای «اقامتگاه»، «وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ مُتَقَلِّبُکُمْ وَ مَثْوِیَکُمْ؛ و خداوند منزل انتقال شما به آخرت و خانه همیشگی شما را می‌داند.» (محمد/ ۱۹) یا «مصانع» به معنای «ساختمان‌ها»، «وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُونَ؛ و قصرهایی محکم بنا می‌کنید، شاید که در دنیا جاودانه بمانید.» (شعراء/ ۱۲۹) از آن جمله است. در چند مورد، شیوه‌های ساختمان‌سازی، غالباً به شکلی استعاری، ذکر می‌شود. مثلاً

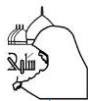


در آیه ۲ سوره رعد؛ آسمان‌ها، ساختمان‌های معجزه آسای خداوند تصویر می‌شوند که بدون ستون بر پا شده‌اند. «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...؛ خدا همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که قابل دیدن برای شما باشد آفرید سپس بر عرش قرار گرفت.»

دسته سوم اصطلاحات، شامل واژه‌هایی است که فارغ از معنای اصلی خود، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا بعد از آن، در معانی خاص مسلم آنان به کار رفته‌اند که دو واژه بسیار مهم «مسجد» و «محراب» از آن جمله است. (همان، ص ۵۹)

«مسجد» (محل سجده) ۲۸ بار در قرآن به کار رفته است. در ۱۵ مورد با صفت «الحرام» به کار می‌رود که ناظر بر مکانی مقدس در مکه است که قداست پیش از اسلام آن در وحی اسلام حفظ و دگرگون شد و این مکان مقدس، کعبه یا خانه مقدس است که ابراهیم و اسماعیل آن را ساخته‌اند «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرُوا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره / ۱۲۵) کعبه به‌عنوان قبله یا جهت نمازگزار، «فَلَنُوَلِّينَاكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ و البته روی تو را به قبله‌ای که از آن خشنود شوی، می‌گردانیم. پس، رو به سوی مسجدالحرام کن.» (بقره / ۱۴۲) و محل حج، «وَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ... جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ الْهَدْيَ وَ الْقَلَائِدَ...؛ صید بیابان تا زمانی که مُحرم هستید، بر شما حرام است... خداوند، کعبه را خانه‌ی حرام قرار داد برای نگهبانی مردم و هم چنین ماه‌هایی را حرام قرار داد و قربانی‌های نشان دار و بی‌نشان...» (مائده / ۹۷-۹۶) ذکر شده است. قرآن در بازگویی قصه اصحاب کعبه تصریح می‌کند که خداوند بر فراز ایشان مسجدی ساخت، «... قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا؛ کسانی که از رازشان آگاهی یافتند، گفتند: مسجدی کنار (مدفن) آن‌ها می‌سازیم.» (کعبه / ۲۱)

عجیب‌ترین و مبهم‌ترین آیه در این خصوص، آیه ۴۰ سوره حج است که به ذکر فهرستی از اماکن مقدس می‌پردازد که اگر خداوند برای نجات آن اقدام نکرده بود، ویران می‌شدند. این فهرست شامل صوامع، بیع، صلوات و مساجد است که کمابیش به «صومعه‌ها یا دیرها، کنیسه‌ها و مسجدها» ترجمه می‌شوند. «وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَ بَيْعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ و اگر خدا شر بعضی از مردم را توسط بعضی دیگر



از مردم دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهودیان و نصارا و مساجدی که ذکر خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردند».

دسته دیگری از ارجاعات قرآنی بر اموری قابل تصور اشاره می‌کنند که هرگز دیده نشده‌اند و تنها تصور می‌شود وجود دارند. توصیف‌های متعدد بهشت، ارجاعات متعددی را شامل می‌شود که در مقوله معماری و طراحی جای می‌گیرند. احتمالاً این توصیف بر طراحی باغ‌ها، مخصوصاً در هندوستان عصر مغول درباره آرامگاه اکبرشاه در سیکاندارا نزدیک آگرا و تاج محل تأثیر عمده‌ای داشته‌اند. همچنین برخی ادعا کرده‌اند این عبارت قرآنی به معنای واقعی کلمه در تزئین مساجد، مخصوصاً در موزاییک کاری‌های اوایل قرن دوم هجری (هشتم میلادی) مسجد جامع دمشق؛ یا مسجد اموی ترسیم شده‌اند، اما برخی دیگر مانند گرابار با دیده تردید به این موضوع نگریسته‌اند. با این حال، فارغ از تحولات بعدی در تزئین و طراحی مساجد، باید گفت که در بخش اعظم توصیفات قرآنی از بهشت و گهگاه از جهنم، یک نوع تصور معماری و تزئینی غلبه دارد. (همان، ص ۷۸)

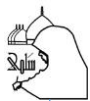
ویژگی‌های معماری اسلامی:

برای درک بهتر موضوع لازم است به برخی از ویژگی‌های معماری اسلامی پرداخته شود:

هنر معماری اسلامی به واسطه وجود معماران زبردست که فعالیت‌های ابداعی انجام می‌دادند با رعایت یکسری اصول خاص بسط و گسترش یافته که این هنر بر درایت و نوع نگاه دینی شخص صحنه می‌گذارد؛ این مسئله منجر به تنوع در معماری اسلامی می‌شود.

ارتباط معماری با دین اسلام نشانه اعتقاد به توحید، ایمان و عمل به آموزه‌ها و تعالیم دین اسلام است. اندیشه توحیدی مبنی بر اعتقاد به خدای واحد سبکی بود که در اکثر هنرهای اسلامی به‌عنوان موضوعی بکر به کار می‌رود. (مه‌دوی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۷۱-۶۸)

معماری اسلامی هنری است که نه تنها در اماکن دینی مانند مساجد مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه در مدارس، ضریح‌ها و قصرها و حتی خانه‌ها و حمام‌ها نیز بهره گرفته می‌شود. معماری اسلامی با مسجد آغاز می‌شود؛ نه از این رو که اولین بنای ساخته شده در مدینه توسط مسلمین و با هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد بود، بلکه بدین دلیل که مسجد، تمامی کارکردهای معماری را در یک جا در خود داشت. مسجد نه تنها محل عبادت، بلکه



مکانی برای مدیریت تمامی اموری بود که مستقیم یا غیرمستقیم به دین ارتباط داشت و هم چنین محلی برای تعلیم و تربیت و حتی محلی برای آسایش مسافران و خورد و خوراک آنان بود.

مقیاس‌های ریاضیات و هندسه در معماری اسلامی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد... نگاه معنوی هنرمندان اسلامی با نگرش آمیخته شده با مبانی قرآن و نیز آشنایی به اشکال هندسی و اضلاع آن، همچنین رابطه عددی آن‌ها با مؤلفه‌های عرفانی مثل اعداد ۷، ۸، ۱۴، ۴۰ و... که بر قداست معماری ابنیه می‌افزاید آثاری پدیدآورده است که شگفت‌انگیز و متعالی است و روح هر بیننده‌ای را به سمت معبود الهی خود سوق می‌دهد. به‌عنوان مثال در معماری اسلامی گنبد که از شکل هندسی نیم دایره قوس‌دار برخوردار است در یک بنای مقدس همانند مسجد و اماکن زیارتی، بیانگر تعالی روح است و دلیلی بر تقریب عالم مادی و معنوی است، همچنین به‌کارگیری اشکال هندسی هشت ضلعی در این گونه اماکن بنا بر تفسیر آیات قرآن کریم، نشان‌دهنده تعداد فرشتگان حاملان عرش الهی است. «وَّيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ؛ و عرش پروردگارت را در آن روز، هشت فرشته بر فراز سرشان برمی‌دارند.» (حاقه/۱۷) و نیز در ادبیات عرفانی از نماد هشت بهشت بارها یاد شده است. در بخش دیگری نیز تعلق به خاک را با بنایی مربع شکل که نشان‌دهنده استقامت، اراده و پایداری در راه حق است مجسم ساخته‌اند.

هویت معماری اسلامی در همه جهان با وجود تنوعات زبانی و تمدنی یکسان است و این تنوعات از چین تا اقیانوس اطلس با وجود تعدد فرهنگ‌ها دیده می‌شود. اگر چه رومی‌ها و دیگر اقوام نیز دارای معماری بودند، اما معماری اسلامی ویژگی خاص خود را دارد.

از دیگر ویژگی‌های هنر معماری اسلامی تزئینات است که مسجدالنبی به‌عنوان اولین بنای اسلامی دارای معماری اسلامی دارای این ویژگی بوده است. اگر چه در زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سقف آن از شاخه‌های نخل بود و با اتکا به عناصر تزئینی ساخته نشد، اما در زمان ولید بن عبدالملک معماری اسلام با استفاده از موزاییک‌هایی با رنگ‌های بسیار زیبا و متنوع معنوی در آن به کار رفت. (همان، ۱۳۸۳، ص ۷۱-۶۸) یکی از دلایل استفاده از کاشی در اماکن مذهبی، مقاوم بودن آن در برابر پدیده‌های طبیعی چون باد، باران، آفتاب، تغییرات شیمیایی و ... در ساختمان است. نحوه رنگ‌آمیزی کاشی‌ها که مزین به آیات قرآن کریم و احادیث معصومین ^[۲] نیز است، باعث القای فضایی روحانی و بهشتی می‌شود. ظرایف بکار رفته در کاشی‌کاری اماکن مذهبی و زیارتی، ایجاد آرامش روحی



و روانی می‌کند و علت استفاده آیات کلام وحی با خط ثلث در کاشی‌کاری‌ها و کتیبه‌های بناهای اسلامی که اغلب به رنگ سفید نوشته شده است، نشانه‌ای از غلبه نور بر ظلمت است که از تلفیق رنگ‌های سفید بر زمینه تیره دیده می‌شود. انتخاب نوع رنگ در کاشی‌کاری اماکن اسلامی نیز از جالب‌ترین نمونه‌های نمادین در هنر معماری اسلامی است. رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی در هنر معماری اسلامی، نمادی از آسمان لایتناهی همراه با آرامش باطنی است. بعضی از کاشی‌های لعابی بکار رفته در دیواره‌های مساجد و اماکن زیارتی که با نقوش هندسی همراه است بیانگر آستان ملکوتی حضرت باری تعالی است که از آن جمله نماد شمس (الهام گرفته از نقش خورشید) است. شمس نمادی از منبع نور و پرتو بلند آن و اشاره به وحدانیت و الطاف الهی است که بهترین نمونه آن را می‌توان در سقف داخلی گنبد مسجد شیخ لطف الله در اصفهان دید.

در هنر معماری اسلامی بیشتر از آیات قرآن به‌عنوان برجسته‌ترین ابداعات هنر اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت که نوشته‌هایی از آیات قرآن بر روی سقف‌ها، دیوارها و یا ستون‌ها استفاده و به شکل خاص تزئین می‌شود.

وحدت و تنوع در معماری اسلامی شاید از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن باشد. این وحدت عامل اساسی توسعه و تکوین هویت معماری اسلامی و تأسیسات دینی به شمار می‌رود. به‌طوری که شیوه‌های معماری اسلامی در هر یک از کشورهای اسلامی متفاوت بوده است، اما وحدت در آن‌ها به‌خوبی مشاهده می‌شود. حتی در ساختمان‌های دینی که در پاریس، لندن، مونیخ و دیگر شهرهای اروپایی به شیوه معماری اسلامی ساخته می‌شد، هویت اسلامی کاملاً مشخص است و نشان می‌دهد که اسلام در اروپا اشاعه یافته و مسلمانان به‌ویژه معماران اسلامی بیشترین نقش را در ارائه تمدن و هویت اسلامی داشتند.

دیگر تمدن‌ها هنر و معماری اسلامی را به عاریت گرفته‌اند، اما اگر چه تلاش‌هایی می‌کنند تا هنر معماری اسلامی را در نظام خود در آورند، اما هنرهای اسلامی اعم از معماری، خط و تزئینات اسلامی بر اقتدار و ابداع مسلمانان تکیه دارد که نمونه‌ای از این تزئینات و هنرهای معماری را در اصفهان، بغداد، دمشق، قاهره، قیروان دیده می‌شود که به ۱۵ قرن پیش به زمان تاریخ تمدن اسلام باز می‌گردد و انتساب آن به هیچ حاکم و دولتی امکان‌پذیر نیست.

از ویژگی‌های دیگر معماری اسلامی تأکید بر فضای کیفی، اصالت معنوی و هویت گسترده سنتی و دینی مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی - قرآنی است. معماری اسلامی به لحاظ زیبایی‌شناسی از مشخصه‌هایی چون تعادل،



همه‌نگی، آرامش، پاکی، معناداری، معنویت، هویت اصیل و پایدار، وحدت، بیگانه زدایی، نورانیت و قانون‌مندی برخوردار است و معماران اسلامی کوشیده‌اند به بهترین و زیباترین وجهی ساحت‌های حیات انسان و قرب به آفریدگار را در بناهای خود به منصفه ظهور برسانند. (مهناز شایسته فر، ۱۳۸۶، ص ۸۴) یک معمار مسلمان می‌داند خداوند متعال صاحب جلال و اکرام بوده و در عین حال جمیل است و جمال را دوست دارد. همچنین اعتقاد دارد هدف از زندگی دنیوی، رجعت به سوی خداوند و رسیدن به کمال است. پس اثر معماری خود را بر سه پایه جمال، جلال و کمال بنا و استوار می‌کند.

هنگامی که هنر اسلامی پدید آمد تصویرسازی در عمارات‌های دینی نیز جلوه‌گری کرد و در اکثر بناهای اسلامی و دینی هنرمندان مسلمان با هدف قرب الهی به تصویر سازی در بخش‌های مختلف این اماکن اعم از قبه‌ها و گلدسته‌ها پرداختند. در این تصویرسازی هنرمند از هر تصویری که عبادت، وحدانیت، جلوه‌های دینی را نشان دهد، بهره می‌گرفت و مناظری از گیاهان، درختان و شکوفه‌های بهشتی را به تصویر در می‌آورد. حتی در خانه‌ها نیز طرحی از بهشت موعود که با درختان، شکوفه‌ها و فضای کلی بهشت تصویر سازی می‌شد.

از دیگر ویژگی‌های معماری اسلامی این بود که ساختمان‌های شهر به سوی قبله ساخته می‌شد و به این مسئله که خانه‌ها و ساختمان‌ها از گلدسته‌ها و قبه‌های مساجد مرتفع‌تر نباشد، اهمیت بسیاری می‌دادند که اهتمام معماری به اسلام و اعتقادات دینی را نشان می‌دهد.

جایگاه معماری و نحوه شهر سازی در قرآن:

در قرآن کریم آمده است که: «واجعلوا بیوتکم قبله؛ یعنی خانه‌های خود را روبروی هم بسازید (قرار دهید)» (یونس، ۸۷) ببینید چقدر معماری و نحوه شهر سازی و خانه سازی در قرآن ظریف و زیبا اشاره شده است. ساخت خانه روبروی هم برای قوم حضرت موسی و سرزمین مصر تجویز شده و می‌توان گفت که حدود سه یا چهار هزار سال پیش خداوند این‌گونه به انسان‌ها آموخته که چگونه خانه سازی و طراحی مسکن داشته باشند. اینکه خانه‌ها روبروی هم ساخته شود یعنی همین ساخت و معماری فعلی که بشر یاد گرفته که یک کوچه‌ای باشد و در دو طرف خانه‌ها که حالت شمالی جنوبی پیدا می‌کنند.



یکی از محاسن این جور خانه سازی این است که همسایگان به راحتی همدیگر را ببینند و با هم ارتباطات انسانی و تعامل داشته باشند و هم به یکدیگر سلام دهند و خلاصه هوای هم را داشته باشند کمی فکر کنید. چقدر زیباست قرآن و مفاهیم آن. در اسلام مسئله حجاب زنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. معمولاً کسی که بیشترین اوقات خود را در خانه می‌گذراند خانم خانه است. در نتیجه برای اینکه او بتواند در چهار دیواری خانه خود، از راحتی و آزادی برخوردار باشد و در رابطه با حفظ حجاب خویش به دردمر نیفتد، لازم است که خانه به صورتی باشد که این امکان را به او بدهد. پس شایسته است که فضاهای خانه حتی الامکان در معرض چشم افراد خارج از خانه قرار نداشته باشند و برای خانه حریم امن و مناسبی طرح شده باشد. (صادقی پی، ۱۳۸۸، ص ۶)

حفظ حریم خانواده و خانه آن‌ها تا به آن حد مهم است که در قرآن کریم اجازه ورود به خانه هیچ کس را بدون اجازه صاحب خانه نداده است. «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی أهلها... فإن لم تجدوا فیها أحداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم و إن قیل لکم فارجعوا... لیس علیکم جناح أن تدخلوا بیوتاً غیر مسکونۃ فیها متاع لکم...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگز به خانه‌هایی غیر از خانه خودتان وارد نشوید، مگر این که اجازه ورود بگیرید (پس از اجازه گرفتن) بر اهل آن خانه سلام کنید... و اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد نشوید، تا اجازه بگیرید؛ و اگر به شما گفته شود: بازگردید، شما برگردید... اما شما گناهی نکرده‌اید اگر (بی‌اجازه) وارد خانه‌های غیرمسکونی بشوید که در آن خانه‌ها کالایی دارید...» (نور / ۲۷ - ۲۹) علاوه بر گرفتن اجازه برای ورود به خانه، خوب است تا از در وارد شود. «وأتوا البیوت من ابوابها؛ و به خانه‌ها از راه آن داخل شوید.» (بقره / ۱۸۹) همه این کارها برای حفظ هر چه بیشتر حرمت خانه و خانواده است. (صادقی پی، ۱۳۸۸، ص ۷) در حدیثی معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز منقول است که: «کراهت دارد که آدمی در خانه‌ای شب به روز آورد که دری و پرده‌ای نداشته باشد.» (محمدباقر، مجلسی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۵) این آیات و احادیث تا حدودی اهمیت وجود محرمیت و حفظ حریم‌های لازم در خانه یک مسلمان را روشن می‌کند.

علاوه بر این در اسلام روشن بودن خانه از اهمیت خاصی برخوردار است. تا جایی که نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم یکی از شرایط دارا بودن زندگی خوب را داشتن خانه‌ای روشن و انبساط آور ذکر کرده‌اند. ایشان در جمله‌ای به حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند که: «ای علی زندگی خوب در سه چیز است: خانه‌ای انبساط آور و روشن،



زنی خوش‌خو و خوش‌رو، مرکبی راهوار و خرج درست نکن.» (رضا پاک نژاد، ۱۳۴۳ ش، ج ۲، ص ۱۵۲ و ص ۱۵۴) علاوه بر این ایشان داخل خانه تاریک بودن را مکروه می‌دانند. (محمدباقر، مجلسی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۴)

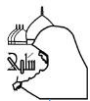
روشن بودن خانه و اثری که روشنایی در روح و روان فرد دارد، به قدری از اهمیت برخوردار است که سفارش شده تا قبل از غروب خورشید و تاریک شدن هوا، چراغ‌ها را روشن کنید، تا خانه حتی لحظه‌ای رنگ تاریکی به خود نبیند و همواره از روشنایی بهره‌مند باشد. در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که: «چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی را برطرف می‌کند و روزی را زیاد می‌کند.» (همان، ص ۲۵۴)

علاوه بر این روشنایی، خوب است که خانه را با نور ایمان و معرفت به خداوند عالم نیز منور گردانید. زیرا در آن صورت نورانیت این خانه تا آنجا می‌رسد که روشن‌گر اهل زمین می‌گردد. در حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که: «منور گردانید خانه‌های خود را به تلاوت قرآن، و خانه‌های خود را مثل گور مکنید، چنانچه یهود و نصاری می‌کردند، که نماز را در معبدهای خود می‌کردند و خانه‌های خود را معطل می‌گذاشتند. به درستی که خانه‌ای که در آن تلاوت قرآن بسیار شود، خیر آن بسیار می‌شود و اهل آن به رفاه و نعمت می‌باشند و آن خانه روشنی می‌دهد اهل زمین را» (همان ۱۳۶۵، ص ۲۴۷)

به خاطر اهمیت خانه و خانواده در اسلام در اینجا به برخی از نشانه‌های بیت یا خانه مسلمانان که با مراجعه به قرآن و احادیث به دست آمده است ذکر می‌گردد:

۱۸ ۱- جایگاه تقویت ایمان: با تفکر و تدبر به عظمت ذات الله جل جلاله و مطالعه کتب اسلامی و التزام به دستورات شرعی و بیم داشتن از گناه و معصیت و محاسبه نفس و ازدواج بر اساس قوانین دین مبین اسلام و تربیت اولاد مؤمن و تقدیم جامعه اسلامی به دست می‌توان آورد که نهال ایمان را بارورتر بایستی ساخت. زیرا رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «ما من مولود إلا یولد علی الفطرة، فأبواه یهودانه أو ینصرّانه أو یمجّسانه؛ هر مولودی با ایمان فطری متولد می‌شود اما پدر و مادر او را یهودی یا نصری یا آتش پرست تربیت می‌نمایند.» (محمد، ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۰۲)

۲- راضی به حکم خدا: یکی دیگر از نشانه خانه مسلمان در همه ناملازمات زندگی راضی بودن به حکم خدا است زیرا خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ



يُعْصِ اللَّهُ وَرَسُولَهُ فَمَنْ ضَلَّ ضَلَّالًا مُّبِينًا؛ و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است». (احزاب/۳۶)

۳- محل ذکر خدا: در حدیثی رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مثل البيت الذي يذكر الله فيه والذي لا يذكر الله فيه مثل الحي والميت؛ مثلی خانه که در آن ذکر و یاد خدا و خانه که در آن ذکر و یاد خدا نیست همچو مرده و زنده است». (مسلم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳۹) لذا خانه بی‌روح خانه‌ای است که در آن زن و شوهر بر یکدیگر توصیه دینی و یاد خدا را نمی‌نمایند.

و قال صلی الله علیه و آله و سلم «: اجعلوا من صلاتکم فی بیوتکم ولا تتخذوها قبوراً؛ خانه‌های خود را به مانند قبرستان قرار ندهید بعضی از نماز خود را به خانه بخوانید.» وقال صلی الله علیه و آله و سلم «: لا تجعلوا بیوتکم مقابر، إن الشیطان ینفر من البیت الذی تقرأ فیہ سورۃ البقرۃ؛ خانه‌های خود را مقبره نسازید در خانه که سوره بقره تلاوت شود شیطان فرار می‌نماید». (ابن اثیر، ۱۹۶۳، ج ۴، ص ۲۳۱)

۴- تعاون بر عبادت: رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «رحم الله رجلاً قام من اللیل فصلی، وأیقف امرأته فصلت، فإن أبت نضح فی وجهها الماء و رحم الله امرأة قامت من اللیل فصلت، وأیقفت زوجها فصلی، فإن أبی نضحت فی وجهه الماء؛ رحم می‌نماید خدا بر مردی که بر می‌خیزد بر نماز و همسر خود را بیدار می‌نماید اگر ابا ورزید بر بالایش آب پاش می‌دهد، رحم می‌نماید خدا بر زنی که برای نماز برمی‌خیزد و همسرش را صدا می‌زند و اگر بر نخواست بالایش آب می‌پاشند». (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۱۸)

۵- محل علم آموزی و عمل: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد» (النحل/۹۷). مراد این است که شوهر از مسائل دینی هر آنچه که می‌داند به همسر خود و هر آنچه زن می‌داند به شوهر خود و هر دو به فرزندان خود تعلیم دهند و همگی بدان عمل نمایند.



۶- محل حیا و امانت: بسا مسائلی را زن شوهر در میان یکدیگر رد و بدل می‌نمایند که به‌عنوان امانت است که هیچ‌کدامشان حق اظهار آن را ندارند. چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «إِنْ مِنْ شَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلُ يَفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتَفْضِي إِلَيْهِ، ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا؛ حَقِيقَةً بَدْتَرِينَ اشْخَاصَ فِي رَوْضِ قِيَامَتِ كَسَانِي أَنْدَ كَهَ اسْرَارِ زَنِّ وَ شَوْهَرْدَارِي خُودِ رَا افْشَا مِينْمَايَنْدَ». (مسلم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۴)

۷- پایگاه انتشار دعوت اسلامی: خانه مسلمان باید محل انتشار دعوت الی الله بوده هر آن کس که در آن وارد می‌شود باید چیزی را بیاموزد. حضرت نوح در حق کسانی که به خانه‌اش می‌آیند دعا می‌نماید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا؛ پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سراپم درآید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای و جز بر هلاکت ستمگران میفزای» (نوح/۲۸)

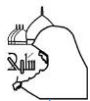
۸- محل همکاری با یکدیگر: زیرا برای ما رسول صلی الله علیه و آله و سلم اسوه و الگوی حسنه‌اند وقتی از عایشه پرسیده شد که رسول خدا در خانه چه کار می‌کند؟ جواب داد: «كَانَ بَشْرًا مِنَ الْبَشَرِ؛ يَفْلِي ثَوْبَهُ، وَيَحْلُبُ شَاتَهُ، وَيَخْدُمُ نَفْسَهُ؛ که ایشان هم بشری مثل دیگر بشرند لباس خود را می‌دوشند و برای خود خدمت می‌کنند». (ترمذی، ج ۴، ص ۶۶) پس هر مسلمان باید در خانه خود مانند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

نقش معماری اسلامی در تمدن اسلامی:

یکی از نیازهای بشر که در قرآن و مکتب اسلام به آن توجه وافری شده و برای آن اصول معینی پیش‌بینی گردیده زندگی مدنی است که تجلی آن شهرسازی اسلامی منطبق با معماری اسلامی و الهام گرفته از آیات الهی است که برای نمونه به برخی از این موارد به اختصار اشاره می‌شود:

ایجاد شهرهای اسلامی یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگی زندگی انسان با تأکید بر آموزه‌های قرآنی بوده است که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان‌ها و معماری شهرها گردیده است .

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های ساخت شهری این است که ساخت و طراحی شهرها بر مبنای ایدئولوژی حاکم بر سکونتگاه‌ها ایجاد می‌شود و معماری شهر اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست .



شهرسازی و معماری اسلامی بر اساس اصول برگرفته از قرآن و سیره رسول الله ﷺ تداوم یافته است .

کالبد شهر اسلامی متأثر از ارزش‌های اسلامی و قرآنی است، چراکه تداوم فرهنگ اسلامی نیازمند فضایی است که متناسب با ایده‌های آن باشد .

اکثر شهرهای جهان اسلام سه مؤلفه و عنصر اصلی شهر اسلامی (مسجد، بازار و دارالاماره) را دارا هستند. اتصال کالبدی و فضای شهری اماکنی مانند مسجد، بازار و دارالاماره از مهم‌ترین شاخصه‌های این چنین شهرهایی است .

در معماری شهرهای اسلامی تفکیک محلات و اسکان قبایل همگن با هدف جلوگیری از کشمکش‌های احتمالی میان قبایل صورت می‌گرفته که پیامد مفید دیگری نیز به دنبال داشت و آن رقابت محلات و رشد فزاینده تنوع معماری در نقاط مختلف شهر بوده است .

ایجاد محلات در شهرهای اسلامی گویای اهمیت حریم خصوصی خانواده در نظام اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی است .

شهرهایی چون مدینه، بصره و کوفه از دستاوردهای معماری و شهرسازی اسلامی بوده است که تا مدت‌ها الگویی مناسب برای شهرسازی و زبانزد هنر معماری در زمان خود بوده‌اند .

نتایج:

بنابراین می‌توان گفت که معماری اسلامی معماری مستقلی است که همه عناصر زیبایی معماری را با در نظر گرفتن ویژگی‌های اسلامی در خود جای داده است به‌گونه‌ای که هویت و فرهنگ اسلامی را به تصویر می‌کشد. معماری اسلامی بر درایت و نوع نگرش معماران مسلمان مبتنی بر اصول دین مبین اسلام دلالت دارد و مسجد به‌عنوان نماد بارز معماری اسلامی در بر گیرنده ظرایف پیچیده فنون معماری آمیخته با ابعاد معنوی برگرفته از آیات الهی است که به دنبال تحقق فضایی روحانی و ملکوتی در جامعه شهری است. آیات قرآن به‌عنوان برجسته‌ترین معیار و الگوی هنر اسلامی مورد توجه معماران مسلمان قرار می‌گرفته است که نوشته‌های موجود با خط کوفی از آیات قرآن بر روی سقف‌ها، دیوارها و یا ستون‌های بکار رفته در مساجد و بناهای دوره اسلامی از آن جمله است. و به خاطر همین است

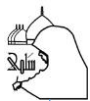


که پس از گذشت سال‌های متمادی جلوه‌های گوناگون معماری و شهرسازی اسلامی که برخاسته از آیات الهی است، خودنمایی می‌کند.

فهرست منابع:

قرآن کریم

۱. پاک‌نژاد، رضا، (۱۳۴۳ ش)، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲. هورن بای، آلن سیدنی، (۱۳۸۴ ش)، آکسفورد ادونسد لرنرز دیکشنری، چاپ هفتم، تهران، انتشارات بهشید.
۳. دورانت، ویل، (۱۳۷۸ ش)، تاریخ تمدن، ترجمه آرام و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. لینچ، کوین، (۱۳۸۱ ش)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ترمذی، احمد بن عیسی، (بی‌تا)، جامع المختصر سنن عن رسول الله، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۵ ش)، حلیه المتقین، تهران: ناشر لقمان.
۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰ ش)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: ناشر کیهان.
۸. ناصح علوان، عبدالله، (۱۳۸۳ ش)، دستاوردهای تمدن اسلامی و نقش آن در رنسانسی، ترجمه مولود مصطفایی، تهران: نشر احسان.
۹. شایسته فر، مهناز، (۱۳۸۶ ش)، دیباچه ای بر هنر ایرانی اسلامی، تهران: مطالعات هنر اسلامی، موزه هنرهای دینی امام علی. [۲]
۱۰. مسلم، ابن حجاج، (۱۳۷۴ ق)، صحیح مسلم، استانبول: منشورات المكتبه الاسلامیه.
۱۱. بستانی، فؤاد فرام، (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ ابجدی (المنجد انجدی)، ترجمه مهیار رضا، تهران: ناشر اسلامی.
۱۲. پیرو، آلن، (۱۳۶۶ ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ساروخانی، تهران، کیهان.



۱۳. فرزانه، سید حمید طیبیان، (۱۳۷۸ ش)، فرهنگ فرزانه فارسی-عربی، تهران: ناشر فرزانه.

۱۴. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۶ ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۵. دهخدا، و دیگران (۱۳۷۳ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران.

۱۶. ری شهری، محمد، (۱۳۷۷ ش)، میزان الحکمه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه دارالحديث.

۱۷. ابن اثیر، احمد بن الجوزی، (۱۹۶۳ م)، نهاییه فی غریب الحدیث و الاثر، محقق طاهر احمد الزاوی و محمود

محمد الطناحی، مصر: ناشر حلبی.

۱۸. مقالات:

۱۹. صادقی پی، ناهید، (۱۳۸۸)، خانه‌های یک شهر اسلامی، مجله مسکن و محیط و روستا، شماره ۱۲۶.

۲۰. گرابار اولگ، (۱۳۸۴ ش)، هنر، معماری و قرآن، ترجمه حسن رضایی هفتادار، دو فصلنامه اسلام پژوهی، مقاله

هنر، شماره اول، پائیز و زمستان.

۲۱. مهدوی نژاد، محمد جواد، (۱۳۸۱ ش)، جست و جو در ژرف ساختهای معنوی معماری اسلامی ایران، حکمت

معماری اسلامی، تهران، هنرهای زیبا، شماره ۱۹.

۲۲. آل تامسون، دیورا، (۱۳۸۷ ش)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه سید روح الله موسوی،

سایت <http://firooze.ir>:

۲۳. جعفری، مرداد، (۱۳۹۲ ش)، معماری اسلامی و ویژگی‌های آن،

۲۴. سایت: <http://memarie.samenblog.com>

